

نذری که برآورده شد

برای خواهرم محدثه

۵۴

۱۷۳

کوله بیشتے

۱۴۰۲

۰۹

۲۲

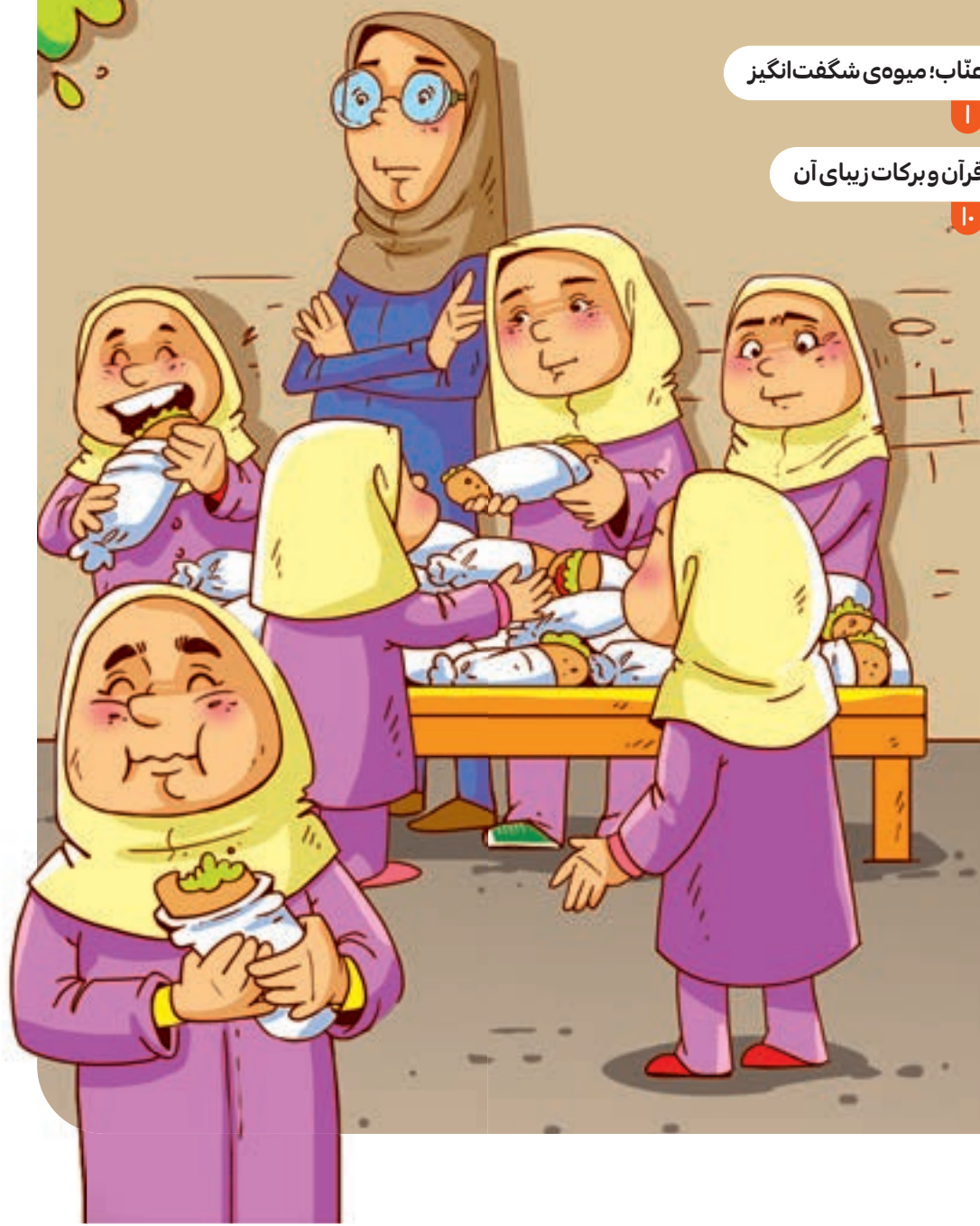
ضمیمه رایگان روزنامه شهرآرا
وزیرہ کودکان و نوجوانان مشهد
۳ شنبه

عناب! میوه‌ی شگفت‌انگیز

۱

قرآن و برکات زیبای آن

۱۰



برای من دعا کن

بعد از نام و یاد خدای بخشنده و مهربان، سلامی می‌کنیم به شما دوستان بهتر از جان! امیدواریم که هر روزتان بهتر از دیروزتان باشد. حتماً می‌پرسید چطور می‌شود هر روز بهتر از دیروز باشد! خیلی ساده است. وقتی هر روز سعی کنید یک کار خوب انجام دهید، شما توانسته‌اید بهتر از دیروزتان باشید.

این روزها که روزهای عزاداری شهادت دختر پیامبر اسلام [ص]، حضرت فاطمه [س] است، شهر رنگ و بوی دیگری به خودش گرفته است. مساجد و حسینیه‌ها در حال برگزاری مراسم عزاداری و پر از دوستداران ائمه [ع] هستند و جمعیت زیادی مهمان شهر ما هستند. چه خوب می‌شود که هوای پاکیزگی شهرمان را داشته باشیم و بعد از خوردن نذری‌ها، ظرف‌های یک‌بار مصرف آن را به حال خود رها نکنیم. می‌دانید چرا؟ چون شهر ما، فقط شهر ما نیست و یک شهر زیارتی است. بیایید به این موضوع فکر کنیم که مهم‌ترین چیزی که از شهر ما به شهرهای دیگر می‌رود، اول رفتار و اخلاق ما با آن‌هاست که خاطره‌ی خوب یا بد از ما و شهر ما را در ذهن آن‌ها می‌سازد. دیروز وقتی پسری را دیدم که با ادب جای نشستن خودش را در اتوبوس به یک زائر داد، خیلی خوش حال شدم. آن زائر بعد از تشکر از پسری، گفت: خوش به حال شما که همسایه‌ی امام رضایی، برای من هم دعا کن. من به این کار او افتخار کردم، برای اینکه یک کار خوب انجام داد.



فطیبه‌تأیت

فهرست

عقاب: میوه‌ی شگفت‌انگیز ۱/
مادر پدر ۲/
جعبه‌ی تسبیح ۳/
برای محدثه ۴/
بانوی نیکوکار ۶/
مجموعه‌ی ۱۴ معصوم (ع) ۷/
اردوی علمی ۸/
مهم‌ترین الگویی که از حضرت فاطمه (س) گرفته‌ام. حفظ حجاب است ۱۰/
درست کردن فسیل ۱۲/
شهر فوتبالی ۱۳/
حواسمان به کارمان باشد! ۱۴/
حلوای نذری ۱۶/
اولین ساعت‌هاچه شکلی بودند ۱۷/

صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله پستی:
فطیبه سادات تأیت
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
نشانی: ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
ابتدای کوهسنگی
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵۱
داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰





عَناب! میوه‌ی شگفت‌انگیز

بچه‌های عزیز، وقتی می‌شود با خوردن میوه‌های فصل از خیلی از بیماری‌ها در امان ماند، چرا این خوردنی‌های خوب و سالم را فراموش کنیم؟!

این هفته می‌خواهیم با فایده‌های عَناب، این میوه‌ی قرمز رنگ کوچک که به خرما‌ی چینی نیز معروف است، آشنا شویم. این میوه‌ی شگفت‌انگیز به هر صورت تازه و خشک که استفاده شود، فایده‌های بسیاری دارد.

خوب است بدانید هزاران سال پیش که عَناب از چین به ایران آورده شد، در طب سنتی آن زمان برای درمان بسیاری از بیماری‌ها از جمله سرماخوردگی، سرفه و حتی سل استفاده شد.

این میوه به دلیل داشتن ویتامین‌های متنوع مثل آ، ب، ث و فیبر، کلسیم و پروتئین، یک خوراکی ارزان با ارزش غذایی زیاد است.

جالب است بدانید خوردن عَناب از دستگاه گوارش و روده‌های شما محافظت می‌کند و نمی‌گذارد کبدتان چرب و بیمار شود. همچنین، استفاده‌ی به اندازه از این میوه‌ی پاییزی

[هفته‌ای دوسه دانه] باعث

می‌شود شما خواب راحتی

داشته باشید و کمتر مضطرب

شوید. پژوهش‌های دانشمندان

هم ثابت کرده است خوردن

عَناب از دچار شدن به

بیماری‌های بدی مثل

پوکی استخوان و سرطان

جلوگیری می‌کند؛ پس

حواستان باشد که این

میوه را حتماً بخورید.





مادرِ پدر

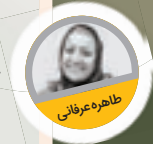
از تمام مردم، تو	غرق مهربانی بود	حیف شد که خیلی زود	رفتی از میان ما
خوب و خوب تر بودی	خنده ها و چشمانت	با فرشته ها رفتی	فاطمه گل زیبا
دخترِ گل بابا	درس ها به ما دادی	پر کشیدی آن بالا	بان بودنت خیلی
*مادرِ پدر بودی	با حجاب و ایمانت	دیدن خدا رفتی	غصه می خورد دنیا



لیلا خلیجی

*ام ایها: لقب حضرت زهرا (س) به معنای مادرِ پدر





جعبه‌ی تسبیح

چطوری درست کنیم؟

شاید شما هم با جعبه‌های خالی یا خرده‌کاغذهای رنگی کار می‌کنید. حتماً دورریز آن‌ها را در کیسه‌ی زباله‌ی خشک می‌اندازید. دست نگه دارید. آن‌ها را دور نریزید. با آن‌ها می‌توانید جعبه‌هایی زیبا درست کنید و بعضی وسایل را در آن بگذارید.

برای ساختن این جعبه‌ی زیبا، ابتدا نوارهای کاغذی را روی یک طرف جعبه بگذارید. با مداد، اندازه‌ی هر طرف جعبه را روی کاغذها علامت بزنید. بعد کاغذهای رنگی را به اندازه‌ی اطراف جعبه به صورت نواری قیچی کنید. حالا به نوارها چسب بزنید. در این مرحله، نوارهای کاغذی را لبه‌ی جعبه بچسبانید. بعد کاغذی با رنگی دیگر را به سلیقه‌ی خودتان کنار رنگ قبلی بچسبانید. به همین ترتیب، دور تا دور جعبه را کاغذهای رنگی بچسبانید. در پایان، درون جعبه را هم به همین روش کاغذ رنگی بچسبانید. حالا جعبه‌ی تسبیح شما آماده است. می‌توانید آن را به هر کسی در خانواده‌تان که به آن نیاز دارد، هدیه دهید.



چی لازم داریم؟

جعبه‌ی خالی کوچک

چسب مایع

کاغذ رنگی



نذری که برآورده شد

برای خواهرم محدّثه



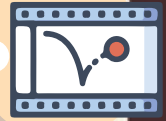
خیلی وقت‌ها برای اینکه مشکلمان حل شود یا همه چیز به خوبی و خوشی انجام شود، نذر می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم همه چیز را روبه راه کند. مهدیه هم دلش می‌خواست خواهر کوچولویش به خوبی و خوشی به دنیا بیاید. مهدیه نشسته بود گوشه‌ی تخت‌خوابش و با خودش فکر می‌کرد. ته دلش یک کوچولو هم نگران بود. مادر بزرگ تا آمد توی اتاق و او را دید، لبخندی زد و پرسید: «چی شده مهدیه جان، نکند کشتی‌هایت غرق شده‌اند؟!» مهدیه لبخندی زورکی زد و گفت: «نه، من اصلاً کشتی ندارم که غرق شود.» مادر بزرگ فکری کرد و دوباره پرسید: «پس چی شده مادر جان؟» مهدیه دوباره لبخندی زد و جواب داد: «اصلاً هم این طور نیست! فقط کمی برایش نگرانم برای مامان هم همین طور.» بعد همان طور که از روی تخت‌خواب پایین می‌آمد و سمت مادر بزرگ می‌رفت، گفت: «مادر بزرگ، به نظرتان خواهر کوچولو به سلامتی به دنیا می‌آید؟» مادر بزرگ با مهربانی دستی به سر مهدیه کشید و گفت: «معلوم است دختر گلم. خدا مواظب مادرت و خواهر کوچولو هست.» بعد فکری کرد و ادامه داد: «خب، به نظرم اگر دوست داری، بدنیست برای سلامتی‌شان یک نذر کوچولو بکنی.» مهدیه که از فکر مادر بزرگ خوشش آمده بود، گفت: «وای! چه فکر خوبی. مثل وقت‌هایی که شما نذر می‌کنید.» مادر بزرگ سرش را تکان داد و لبخند زد. خیلی زود مهدیه تصمیمش را گرفت. تصمیم گرفت برای سلامتی مامان و خواهر کوچولو یک نذر کوچولو بکند. مهدیه نذر کرد اگر خواهر کوچولو به سلامتی به دنیا بیاید، در ایام شهادت حضرت زهرا [س] بپیرای

همه‌ی بچه‌های کلاسشان ساندویچ نان و پنیر و سبزی درست کند و شنبه که مدرسه رفت، به مدرسه ببرد. قرار شد مادر بزرگ هم در درست کردن ساندویچ‌ها کمکش کند. خیلی نگذشته بود که بابا از بیمارستان تلفن کرد و یک خبر خوب داد. خواهر کوچولو به سلامتی به دنیا آمده بود. حال مامان هم خوب بود. بابا از پشت گوشی گفت: «مهدیه جان، تا فردا که خواهر کوچولو و مامان به خانه برمی‌گردند، می‌خواهی یک اسم قشنگ هم برای خواهرت انتخاب کنی؟» مهدیه با هیجان گفت: «قبلاً فکرش را کرده‌ام، نگران نباشید! یک اسم قشنگ انتخاب کرده‌ام. اسمش را می‌گذاریم محدّثه. بابا که حسابی از این اسم خوشش آمده بود، گفت: «واقعاً اسم قشنگی است. مطمئنم مامان هم خوشش می‌آید. این اسم از لقب‌های حضرت فاطمه [س] است. سمت خیلی قشنگ است.» بعد خدا حافظی کرد



و قول داد برود نظر مامان را درباره‌ی اسم پیرسد. مهدیه که تقریباً مطمئن بود مامان از اسم محدّثه خوشش می‌آید و قبول می‌کند اسم خواهر کوچولو محدّثه باشد، خوش حال بالا و پایین پرید و شادی کرد. بعد هم دوید سمت اتاقش تا آنجا را برای آمدن خواهر کوچولو مرتب‌کند.





انیمیشن

بانوی نیکوکار



هانی
نیکوکاری

داستان انیمیشن «میزبان خورشید» درباره‌ی بانوی خراسانی به نام بی بی شطیطه است که در زمان امام صادق [ع] و امام کاظم [ع] زندگی می کرده است. این بانوی نیکوکار و پاکدامن در مکتب خانه به کودکان درس زندگی و قرآن می آموخت.

ماجرای آنجا شروع می شود که خبر می رسد امام صادق [ع] به شهادت رسیده اند و در نیشابور همه ای برپا شده است. هر کس چیزی می گوید. مردم نیشابور تصمیم می گیرند نامه ای برای امام بنویسند و ابوجعفر را به عنوان نماینده ی خودشان برای رساندن نامه به امام انتخاب می کنند. همه ی مردم هدیه هایشان را به ابوجعفر می دهند تا به دست امام برساند. بی بی شطیطه هم هدیه ی مخصوصی برای امام تهیه کرده است.

ابوجعفر راهی سفر می شود و پس از مدتی به خانه ی امام می رسد. او نامه ها و هدیه های مردم را به امام کاظم [ع] می دهد. امام کاظم [ع] فقط هدیه ی بی بی شطیطه را قبول می کنند و بقیه را پس می فرستند. اگر می خواهید بدانید چرا باید این انیمیشن زیبا را تماشا کنید.

امام کاظم [ع] خمس یک درهمی و پارچه ی پنبه ای را که خود بی بی شطیطه بافته بود، قبول می کنند و یک نامه و یک هدیه - که باز هم باید این انیمیشن را ببینید تا بدانید چه بود - برای این بانوی نیکوکار می فرستند و خبر مهمی را به ابوجعفر می دهند که به بی بی شطیطه برساند. آن خبر این است که به بهترین یار من بگو: «در پانزده روز دیگر به بهشت پامی گذار و من در سفرش همراهی اش می کنم.»

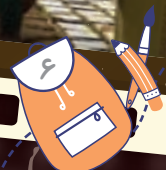
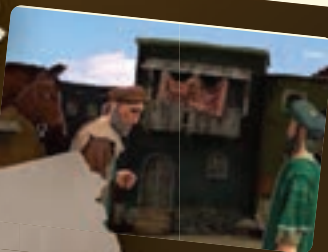
نام انیمیشن:
میزبان خورشید

کشور سازنده:
ایران

کارگردان:
محمدرضا ایزدی

تاریخی:
ژانر:

زمان:
۲۵ دقیقه





مجموعه‌ی ۱۴ معصوم [ع]

جلد ۳، حضرت زهرا [س]

این روزها، آیام فاطمیّه و شهادت حضرت فاطمه زهرا [س]، دختر پیامبر [ص]، همسر امیرمؤمنان علی [ع] و مادر امام حسن [ع] و امام حسین [ع] است و حتماً در جاهای مختلف شما نام ایشان را زیاد شنیده‌اید.

اما دیگر چه؟ کتابی درباره‌ی حضرت زهرا [س] خوانده‌اید؟ چقدر ایشان را می‌شناسید؟

«روزی مردی نابینا به خانه‌ی آن‌ها آمد. حضرت فاطمه [س] روی خود را پوشاندند. پیامبر [ص] فرمودند: این مرد نابیناست، حجاب را رعایت می‌کنی؟ حضرت زهرا [س] پاسخ دادند: او من را نمی‌بیند، اما من که او را می‌بینم.»

بخشی از داستانی که خواندید، از کتاب «مجموعه‌ی چهارده معصوم [ع]، جلد سوم، حضرت زهرا [س]» بود؛ کتابی پر از داستان‌های کوتاه از زندگی دختر عزیز پیامبرمان. این کتاب را خانم زهرا عیدی، برای شما بچه‌های گروه

سنی ۹ تا ۱۲ سال نوشته است. ناشر آن جمکران و تصویرگر نقاشی‌های جذاب کتاب، خانم مرضیه صادقی است. اگر شما هم مثل من کنجکاو هستید بدانید داستان‌های کوتاه این کتاب چقدر ما را با زندگی حضرت زهرا [س] آشنا می‌کند، این کتاب را تهیه کنید و بخوانید. یادتان نرود به دوستانتان هم امانت دهید.



مجموعه‌ی چهارده معصوم [ع]
جلد سوم، حضرت زهرا [س]
نویسنده: زهرا عیدی





اردوی علمی

نیاز داریم بازی باتاس شش شروع می شود و برنده کسی است که زودتر مسیر را طی کند و به نقطه پایانی برسد.



عکاسی ساسانی
نویسنده

برای شروع بازی صفحه را بچرخانید

شروع

۱ قرار است از طرف مدرسه به اردوی علمی و طبیعت گردی بروی. پس تاس بریز و شروع کن.



۶ وای، چرا فراموش کردی کوله پشتی ات را برداری! برگرد و از اول شروع کن.



۱۰ توی راه از طبیعت زیبا و چیزهایی که می بینی عکس بگیر با تاس فرد حرکت کن.



۲۰ چرا از شاخه ی درخت آویزان شدی؟ درخت حافظ زندگی است، نباید با آویزان شدن از شاخه هایش به او آسیب بزنی. سه خانه به عقب برگرد.



۱۴ آفرین که زباله ها را در سطل زباله انداختی. دو خانه جلو برو.



۳۲
نگردی و عقب ماندی.
یک بار تاس نریز.

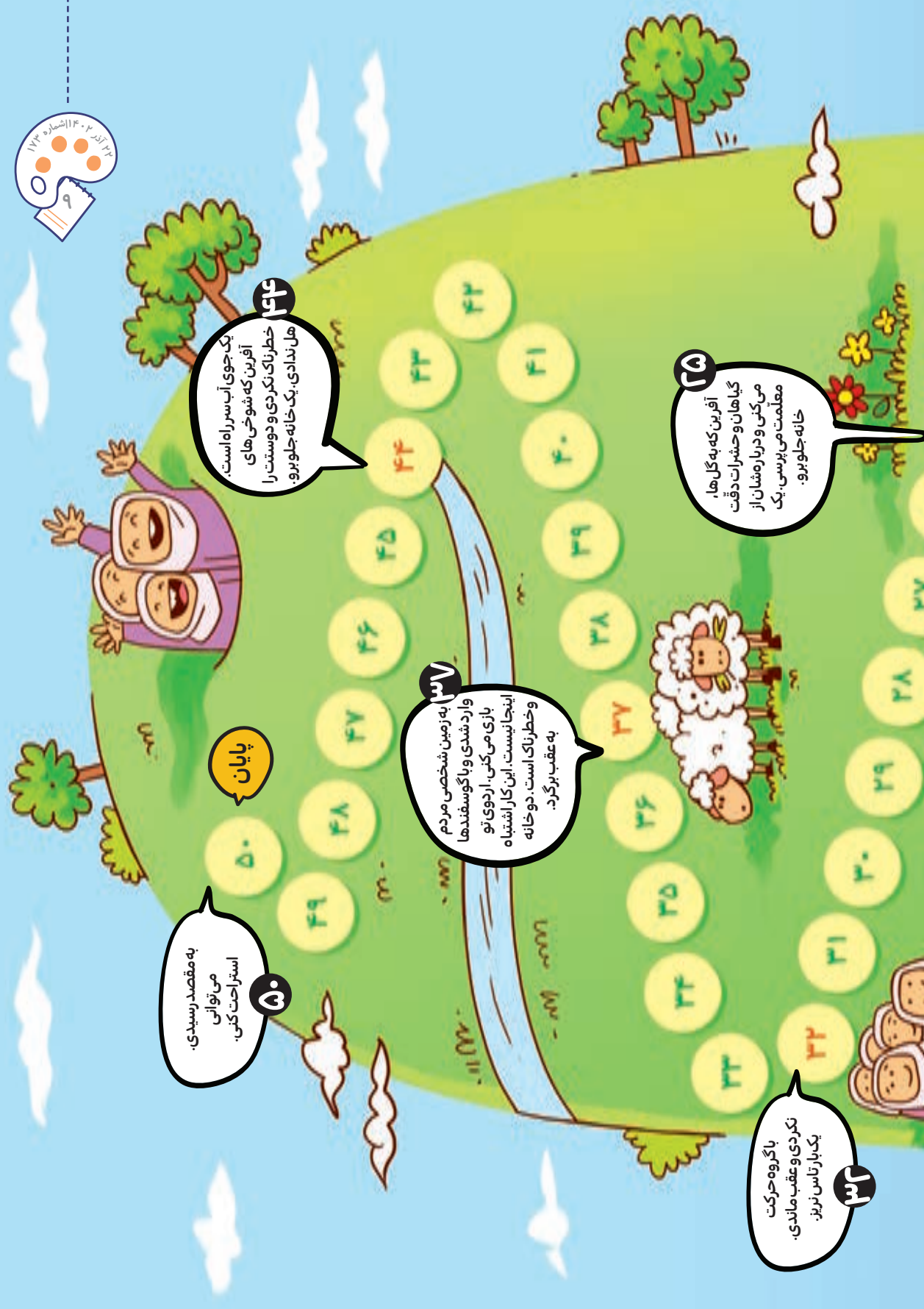
۵۰
به مقصد رسیدی.
می توانی
استراحت کنی.

۳۷
به زمین شخصی مردم
وارد شدی و باگوسفندها
بازی می کنی. اردوی تو
اینجا نیست. این کار اشتباه
و خطرناک است. دو خانه
به عقب برگرد.

۲۵
آفرین که به گل ها،
گیاهان و حشرات دقت
می کنی و دربارشان از
معلمت می پرسی. یک
خانه جلو برو.

۴۴
یک جوی آب سرازه است.
آفرین که شوخی های
خطرناک نکردی و دوست را
همل ندادی. یک خانه جلو برو.

پایان



گفت وگو با حافظ کوچک کتاب آسمانی

قرآن و برکات زیبای آن



شبنم کریمی

«دختر با حجاب مانند مرواریدی در صدف است. ما هم با حفظ حجابمان از یادگار مادرمان حضرت زهرا (س) محافظت می‌کنیم.» آنچه خواندید، نظر نفیسه خانلری یازده ساله، دانش آموز کلاس پنجم مدرسه‌ی شاهد آسیه قریشی، درباره‌ی اهمیت تکلیف ارزشمند حجاب و حفظ آن است. او حافظ شش جزء قرآن کریم و صاحب رتبه‌ی نخست استان در این رشته‌ی مقدّس است. دوستان خوب کوله‌پشتی، در ادامه گفت‌وگوی ما با نفیسه را در ایام شهادت بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه زهرا (س)، می‌خوانید.

از چه سنی و چگونه با قرآن انس گرفتی؟

از چهار سالگی در خانه با مادر قرآن کار می‌کردم. نخستین سوره‌ای که حفظ کردم، سوره‌ی کوثر بود؛ زیرا با توجه به سن کم خودم و کوتاه بودن این سوره، حفظش برایم آسان‌تر بود. از آن زمان تاکنون توانسته‌ام شش جزء از کلام... مجید را حفظ کنم.

قرآن را چگونه حفظ می‌کنی و حفظ هر جزء چقدر

زمان لازم دارد؟

قبلاً در خانه حفظ می‌کردم، اما از دو سال پیش در دارالقرآن ولی عصر (عج) با حضور در کلاس‌های حفظ قرآن هدفم را دنبال می‌کنم. به این ترتیب، برای حفظ هر جزء تقریباً سه ماه زمان لازم دارم. البته هنگام قرائت و حفظ، تا حدودی هم به معنی آیات توجه می‌کنم.





حفظ قرآن چه نتیجه‌ای برای‌ت داشته است؟

انس با قرآن و حفظ آیات آن برکات بسیاری برایم به همراه داشته است، مانند موفقیت در درس‌هایم، تقویت حافظه‌ام و از همه مهم‌تر، نزدیک‌تر شدنم به خدا که از این بابت خیلی شکر می‌کنم. البته در کنار فعالیت‌های قرآنی‌ام به نقاشی و ورزش نیز علاقه دارم و در این زمینه هم تلاش می‌کنم.

از زمانی که به یاد دارم، هر سال در سطح ناحیه در زمینه‌ی حفظ توانسته‌ام مقام برتر مسابقات را کسب کنم و در سال ۱۴۰۱ نیز به مقام نخست استان در این رشته دست یافتم. همچنین، به‌جز حفظ، در رشته‌های تجوید و قرائت هم فعالیت می‌کنم و حائز مقام شده‌ام که همه‌ی این موفقیت‌ها برایم انگیزه‌بخش و سبب سربلندی هستند.

چقدر درباره‌ی حضرت فاطمه [س] و ویژگی شخصیتی، ارزش‌های اخلاقی و صفات نیکوی ایشان می‌دانی؟

از صفات حضرت فاطمه [س] می‌توان حیا و عفت، ساده‌زیستی و ایثار و بخشندگی را نام برد. با حفظ حجاب و الگو قرار دادن ایشان در زندگی هم می‌توانیم پیرو خوبی برای این بانوی بزرگوار اسلام باشیم، اما مهم‌ترین تأثیرگذارترین بخش شخصیتی ایشان که من از آن الگو گرفته‌ام، حفظ حجاب بوده است.

می‌دانی چرا حضرت فاطمه [س] به بخشندگی معروف هستند؟

به نظر من حضرت فاطمه [س] رهرو راه پدر بزرگوارشان در بخشندگی و سخاوت بوده‌اند، به‌طوری‌که پیراهن عروسی خود را در شب عروسی به یک خانم یتیم بخشیدند.

نفیسه جان، تا به حال تجربه‌ی

بخشندگی داشته‌ای؟

بله، مثلاً یک بار هم‌کلاسی‌ام خودکارش را نیاورده بود و من خودکار خودم را به او دادم.

چه زمانی بیشتر قرآن می‌خوانی؟ چرا؟

صبح‌ها بعد از نماز و آخر شب‌ها. پنجشنبه‌ها هم به کلاس می‌روم. البته تلاوت یا حفظ قرآن در ایام مذهبی خاص مانند ماه‌های محرم و صفر یا رمضان یا دهه‌ی فاطمیه هم آثار مادی و معنوی زیادی دارد و سبب نزدیک‌تر شدن بیشتر به امام حسین [ع] و اهل بیت و ائمه [ع] و همچنین درک بهتر زندگی ایشان می‌شود که سعی می‌کنم از این موضوع نیز غافل نشوم.

مشوق تو در موفقیت‌هایت چه کسانی هستند؟

مشوق اصلی‌ام مادر عزیزم است. از استاد رجب‌زاده و استاد کمالاتی عزیز هم که در این راه مرا تشویق و حمایت کرده‌اند، قدر دانی می‌کنم. به دوستانم هم حتماً توصیه می‌کنم از همین سن، حفظ قرآن را آغاز کنند که خیلی شیرین و لذت‌بخش است و مطمئنم آثار و برکات زیادی آن را در زندگی خود خواهند دید. من نیز اگر دانش‌آموز موفق‌تری هستم، یکی از دلایلش را از برکات حفظ قرآن می‌دانم. در آینده هم قصد دارم حافظ کل قرآن شوم و همیشه دوستانم را به حفظ قرآن تشویق می‌کنم.





درست کردن فسیل



اگر تابه حال به موزه رفته باشید، حتماً در بخش زمین شناسی آنجا با فسیل ها و شکل واره ی موجودات هزاران سال پیش که بر سنگ ها جلب توجه می کند، آشنا شده اید.

برای ساخته شدن هر فسیل در طبیعت زمان زیادی لازم است، اما اگر می خواهید در زمان کم یک فسیل بسازید، با استفاده از این مواد می توانید این کار را انجام دهید. شما می توانید با استفاده از نمک و قهوه و آب، خمیر درست کنید. سپس با فشار دادن اشیای مختلفی مثل صدف ها یا حتی دایناسورهای اسباب بازی روی این خمیر، ردی به جا می ماند که پس از خشک شدن، ظاهری شبیه به فسیل های واقعی خواهد داشت. اگر قسمت بالایی آن را سوراخ کنید، می توانید بعد از خشک شدن آن را در اتاقتان آویزان کنید یا به آزمایشگاه مدرسه تان بدهید.

چی لازم داریم؟

یک استکان پودر قهوه

یک استکان نمک

مقدار لازم آب

چند صدف یا هر اسباب بازی کوچک





شهر فوتبالی

بازی این هفته‌ی ما یک بازی ایرانی به نام «شهر فوتبالی» است که چه طرفدار فوتبال باشید چه نباشید، تجربه‌ی جالبی است.

در این بازی شما باشگاه فوتبالتان را دریافت می‌کنید که باید آن را با استفاده از بهترین بازیکنان دنیا و به‌روزترین تاکتیک‌ها به قوی‌ترین تیم لیگ تبدیل کنید.

باید بدانید که شما در بازی «شهر فوتبالی» پس از یک راهنمایی کوتاه، می‌توانید برای گسترش باشگاهتان دست به کار شوید. از نکات مهم بازی این است که شما یک منطقه برای گسترش شهر فوتبالی‌تان در دست دارید و می‌توانید با احداث ساختمان‌های گوناگون در این منطقه، مسیر توسعه‌ی تیمتان را سریع‌تر کنید.

از نکات مثبت این بازی ایرانی می‌توان به گرافیک جالب، امکان نظارت بر تیم در هنگام بازی، ساختمان‌های فراوان برای احداث و... اشاره کرد.



اگر برای احداث باشگاه خودتان آماده هستید، این کد را اسکن کنید.



اسکن کنید

حواسمان به کارمان باشد!

یکی از نشانه‌ها و اخلاقی آدم‌های خوب، صداقت است. صداقت یعنی وقتی حرفی می‌زنیم، کارهایمان هم مثل حرف‌هایمان باشد و این طور نباشد که حرف‌هایمان یک چیز و کارهایمان یک چیز دیگر باشد. در دین ما اسلام، به صداقت داشتن خیلی سفارش شده است. یکی از لقب‌های حضرت فاطمه [س]، صدّیقه‌ی کبری است؛ یعنی کسی که در راست‌گویی کامل است. حضرت فاطمه [س] یک الگوی خوب برای زندگی همه‌ی ماست.



مرجان اسماعیلی

کمیک



۱ دخترم بذار
ببینم کجا پارک کنم
که مزاحم همسایه‌ها
نباشم.

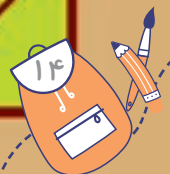
۳ نه نمی‌شه! دفعه‌ی قبل از همه‌ی
همسایه‌های مجتمع خواستن ماشین
رو جلوی خونه‌شون پارک نکنیم. ما هم
گفتیم چشم!

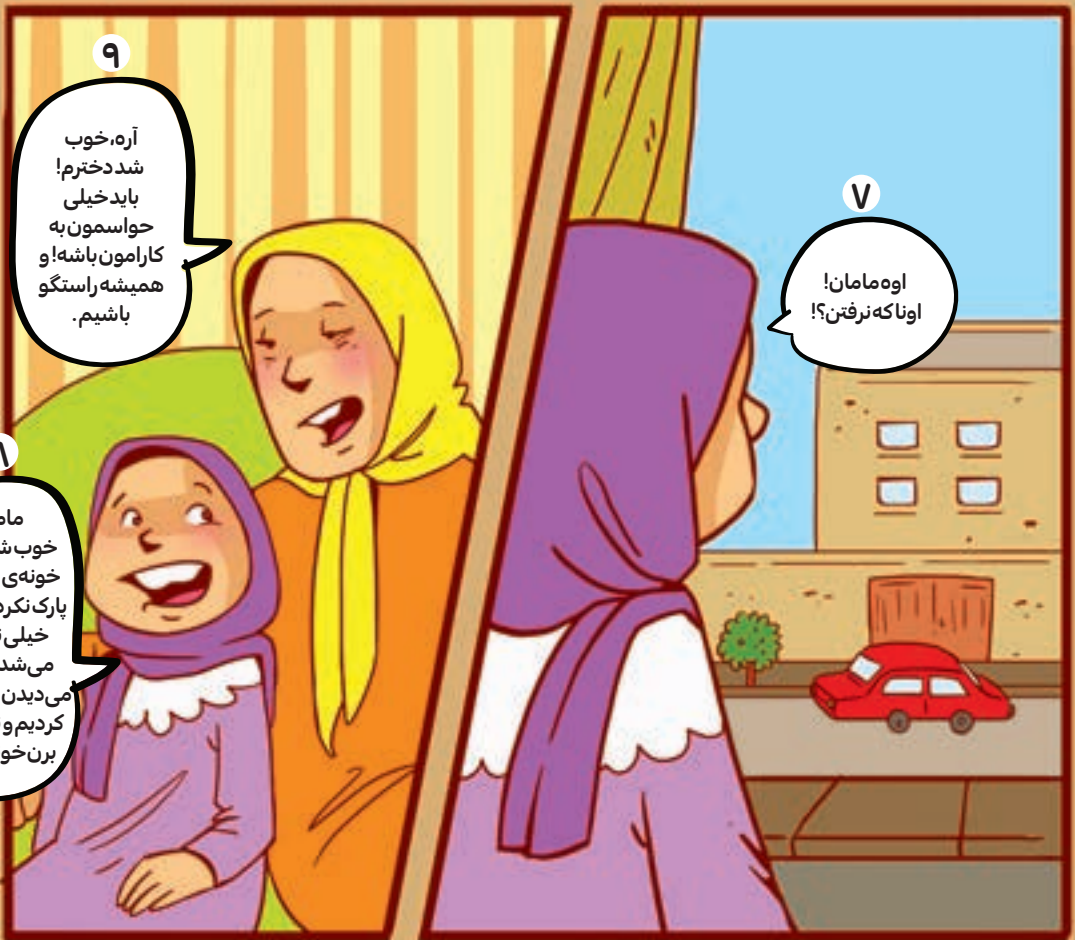
۲ مامان،
همسایه‌ی روبه‌رویی
صبح داشتن می‌رفتن
مسافرت. دیدم
وسایلشون رو گذاشتن
پشت ماشین. جلوی
خونه‌ی او نا می‌شه
پارک کرد.

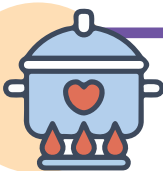


۴ ولی اونا که امروز
نیستن. شاید هم تا چند
روز نیان.

۵ شاید نباشن،
ولی باز هم نباید پارک
کنیم.







حلوای نذری



آن روز، خاله اعظم می خواست حلوای نذری درست کند. سارا و مهیار هم دوست داشتند در نذری درست کردن کمک کنند.

خاله اعظم همه ی مواد را آورد و گذاشت وسط اتاق. اول آرد الک شده را داخل ماهیتابه ریخت. سارا گفت: «من آردها را هم می زنم.» خاله آب و شکر را داخل ظرف ریخت تا شربت حلوا را درست کند. به مهیار هم گفت که گلاب و پودر هل را به آن اضافه کند و مواد را گذاشت روی شعله ی متوسط. بوی هل و گلاب بلند شد!

سارا داشت با قاشق چوبی بزرگ آرد را از این طرف به آن طرف ماهیتابه می کشید و روی آرد شکل درست می کرد.

بعد از اینکه آرد طلایی رنگ شد، خاله اعظم شربت را داخل آرد ریخت. بعد هم زعفران آب شده و روغن را اضافه کرد و مواد را مخلوط کرد. آن قدر مواد را هم زد تا اینکه به شکل خمیر درآمد و راحت از ماهیتابه جدا می شد.

حلوا که آماده شد، سارا و مهیار ظرف ها را آوردند و حلوا را در ظرف ریختند. بعد هم روی حلواها را با خلال پسته و گل محمدی تزیین کردند.

بچه ها و خاله اعظم حلوا را بردند توی کوچه تا بین همسایه ها پخش کنند. همسایه ها با دیدن حلوای نذری خوش حال می شدند و می گفتند: «ان شاء... نذرتان قبول باشد!»



چی لازم داریم؟

آرد الک شده دو پیمانه

شکر یک پیمانه

پودر هل و گلاب نصف پیمانه

روغن یک پیمانه

زعفران به اندازه ی دل خواه





چی؟ چه طور؟

اولین ساعت‌ها چه شکلی بودند



مریم غفاریور



همان‌طور که می‌دانید، ساعت در زندگی ما نقش مهمی دارد. این روزها هیچ آدم یا خانه‌ای نیست که با ساعت سروکار نداشته باشد؛ از ساعت آفتابی گرفته است که با تابش نور خورشید کار می‌کرد تا ساعت‌های آبی و ساعت‌های شنی، ساعت مچی و ساعت دیواری، ساعت مربوط به دریانوردان و ساعت‌های هوشمند، همه انواع مختلف ساعت هستند که در طول قرن‌ها با توجه به نیاز مردم به شکل‌های مختلف به وجود آمده و کامل و کامل‌تر شده‌اند.

اما تا به حال فکر کرده‌اید ساعت از چه زمانی به دنیای آدم‌ها راه پیدا کرد؟ اولین بار مصریان باستان ساعت آفتابی را ساختند. معلوم نیست دقیقاً چه کسی یک روز یک تکه چوب را در زمین فرو کرد و ناگهان دید هر چقدر آفتاب بالاتر می‌آید، سایه‌ی چوب کوتاه‌تر می‌شود و بر همین اساس هم زمان را اندازه گرفت. بعد از آن، ساعت شنی اختراع شد. ساعت شنی از دو بخش که با یک سوراخ کوچک به هم وصل شده‌اند، تشکیل می‌شود. داخل یکی از این بخش‌ها مقداری شن وجود دارد که از طریق سوراخ ریز به بخش دیگر می‌ریزد. هر بار که همه‌ی شن‌ها از بخشی به بخش دیگر می‌ریزد، آن را می‌چرخانند و این چرخه تکرار می‌شود. در اواخر قرن پانزدهم ساعت‌های مکانیکی با استفاده از چرخ‌دنده‌های متصل به هم در آلمان ساخته شد و

بعداً ساعت‌های مچی زیبا در سوئیس ساخته شد. شاید برایتان جالب باشد بدانید که از ورود ساعت مچی به ایران فقط ۲۳ سال می‌گذرد؛ زمانی که عبدا... جواهری واردات ساعت از سوئیس را در ایران پایه‌گذاری کرد. بررسی‌های دانشمندان نشان می‌دهد ایرانیان از اقوامی بودند که در هزاران سال پیش از وسایلی با نام پنگان برای اندازه‌گیری زمان در آبیاری کشاورزی‌شان استفاده می‌کردند.



